

## تحریف تورات در پرتو آیات قرآن\*

سید احمد غریبی (دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی تفسیر)

Ahmadsayed1392@gmail.com

محمد حاجی علی کنگانی (دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی تفسیر)

### چکیده

باور به تحریف لفظی تورات از دیرباز بین دانشمندان اسلام رایج بوده است. این نگرش از آن‌جا سرچشمه گرفته که خداوند تحریف کلام یا کلم را به بنی اسرائیل نسبت می‌دهد. اما در آیاتی دیگر، قرآن جایگاه خاصی برای تورات در نظر گرفته که به سادگی نمی‌توان مسأله‌ی تحریف آن را پذیرفت. این پژوهش با روش تحلیلی- استقرائی به بررسی دلالت آیات تحریف، هم‌چنین آیاتی که در مورد جایگاه تورات می‌باشد، پرداخته تا نشان دهد متن تورات تا زمان نزول قرآن تحریف نشده، بلکه تحریف مربوط به تفسیری است که بنی اسرائیل از متن ارایه می‌دادند. با توجه به نتیجه‌ی به‌دست آمده، دستور قرآن در خصوص برپایی تورات، یکی از دلایل عمده‌ی این مدعاست.

کلیدواژه‌ها: تحریف، تورات، تحریف معنایی، تحریف تورات

---

\* دریافت: ۱۳۹۷/۴/۲۵؛ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۱۴

## مقدمه

تورات یکی از کتاب‌های دینی اهل کتاب است که قرآن بر صدق آسمانی بودن آن گواهی داده است و آن را دربردارنده‌ی هدایت و نور می‌داند. یکی از مسائلی که کتاب‌های آسمانی بعد از نزولشان با آن مواجه شده‌اند مسأله‌ی تحریف است. در قرآن به صورت صریح سخن از تحریف تورات یا انجیل به میان نیامده است، اما برخی دانشمندان جهان اسلام معتقدند، کتاب‌های آسمانی غیر قرآن از جمله تورات از سوی طرف دارانشان دچار تغییراتی شده‌اند و برای تقویت نظر خود به آیاتی مثل (يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ)، (يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ) و (فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ) استناد می‌کنند. از طرفی دیگر برخی مانند: وهب بن منبه (۱۱۴ هـ)، بخاری (۲۵۶ هـ) و رازی (۶۰۶ هـ) باور به جابه‌جایی، تغییر یا حذف واژگان کتاب‌های آسمانی را درست نمی‌دانند.

از آن جایی که این پژوهش مربوط به بررسی تحریف تورات از منظر قرآن می‌باشد، مراد از تورات همان کتابی است که در زمان نزول قرآن، کتاب الهی یهودیان بوده است. این پژوهش در صدد آن است که نظر قرآن در مورد تحریف تورات را بازگو کند. به همین دلیل پرداختن به معنای لغوی تحریف، بررسی اقوال مفسرین درباره‌ی تحریف کلام و بررسی جایگاه تورات از نگاه قرآن که جزء مجهولات بحث هستند، ضروری می‌داند و در پی پاسخ‌دادن به این سؤال است که آیا می‌توان وقوع تحریف در تورات را به اثبات رساند؟ در صورت ثابت شدن، ماهیت آن لفظی است یا معنایی؟

پیش از این، تحقیقاتی در این زمینه صورت گرفته و مقالاتی به‌رشته‌ی تحریر در آمده که از آن جمله می‌توان به *التوراة بین تحریف اللفظ و تحریف المعنی مع دراسة لکاتبها عزرا*، اثر

عبدالحمید کل احمدی، چاپ شده در مجله‌ی الشریعة و الدراسات الإسلامیة، شماره‌ی ۴۵؛ تحریف تورات و انجیل از دیدگاه قرآن، نوشته‌ی محمدحسین فاریاب چاپ شده در مجله‌ی معرفت شماره‌ی ۱۴۳ و مقاله‌ی قرآن و تحریف تورات با توجه به آیه‌ی ۷۵ سوره‌ی بقره، توسط الهه سلیمی چاپ شده در مجله‌ی مشکوة شماره‌ی ۱۱۵ اشاره کرد. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین مقالاتی که تا به حال نگاشته شده بررسی تحریف تورات از نگاه قرآن کریم، نوشته‌ی مرتضی ساجینی چاپ شده در دوفصل‌نامه‌ی تفسیرپژوهی در تابستان ۱۳۹۶ است که نویسندگان آن با بررسی آیات تحریف، مصادیق تحریف را بازگو کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که تحریف تورات مربوط به تأویل خارجی و مصادق‌سازی نادرست است. اما پژوهش حاضر با در نظر گرفتن ترکیب «تحریف کلام»، علاوه بر بررسی معنای تحریف، واژه‌ی کلام و کلم را مورد کنکاش قرار داده و از جایگاه تورات نزد پیامبران بعد از موسی جهت نتیجه‌گیری برای مسأله‌ی بحث غافل نمانده است.

اهمیت تشخیص تغییر یا عدم تغییر تورات از نگاه قرآن در آن است که خداوند در وصف قرآن می‌گوید (مصدقاً لما بین یدیه) حال اگر تورات تحریف شده باشد چگونه می‌توان بین تحریف تورات و این آیه جمع نمود.

#### نگاهی به دلایل قرآنی موافقان تحریف تورات

موافقین تحریف تورات به آیاتی از قرآن برای تأیید نظرشان استدلال می‌کنند، به صورت کلی این گروه، آیاتی که در آن از تحریف کلام یا کلم صحبت شده، همچنین آیه‌ی ۷۹ سوره‌ی بقره که از نظر موافقین تحریف، تهدیدی برای نویسندگان تورات به‌شمار می‌رود، به‌عنوان مدعای اصلی خود در نظر می‌گیرند.

تحریف کلام و تحریف کلم ترکیبات اضافی هستند که خداوند در قرآن به یهودیان نسبت

می‌دهد. تحریف در کلام به معنای تحریف مفهومی و معنایی است نه تغییر متن. در سوره‌ی بقره آمده است: ﴿أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ (بقره، ۷۵) (آیا طمع می‌دارید که به شما ایمان بیاورند و حال آن‌که گروهی از ایشان کلام خدا را می‌شنیدند و با آن‌که حقیقت آن را می‌یافتند تحریفش می‌کردند و از کار خویش آگاه بودند؟). زبان‌شناسان عرب تحریف کلام را خارج کردن آن از معنایش می‌دانند. ابن جنی (۳۹۲ هـ) می‌گوید: «یحرفون الکلم عن مواضعه یعنی: معانی تورات را با تزیینات و تشبیهات باطل، تغییر می‌دادند». (۱۴۲۱، ۱ / ۳۱). ازهری (۳۷۰ هـ) از لیث نقل می‌کند که تحریف در قرآن تغییر کلمه از معنای آن است. (ر.ک: ۱۴۲۱، ۱۳/۵). ابن فارس (۳۹۵ هـ) مشتقات حرف را به سه اصل بر می‌گرداند: لبه‌ی هر چیز، عدول و تقدیر. ایشان تحریف کلام را از اصل دوم یعنی عدول می‌داند و می‌نویسد: «تحریف کلام خارج کردن آن از مسیرش است». (۱۴۰۴، ۴۲/۲). از بین محدثین نیز امام بخاری (۲۵۶ هـ) در توضیح (یحرفونه) می‌نویسد: «کسی قادر نیست الفاظ کتاب‌های خداوند را محو کند، بلکه مراد از (یحرفونه) این است که آن را بر غیر مرادش تأویل می‌کردند». (۱۴۲۲، ۱۸۶۶).

با توجه به این مطلب، گویا زبان‌شناسان اذعان دارند که تحریف کلام، مرتبط به معناست. (ر.ک: راغب، ۱۴۱۲، ۲۲۹).

طبری (۳۱۰ هـ) با تأیید اینکه تحریف در معنا رخ می‌دهد، ترکیب (کلام الله) که در آیه‌ی ۷۵ سوره‌ی بقره از آن سخن رفته، مربوط به تورات ندانسته و اشاره می‌کند که آیه با توجه به عبارت (یسمعون کلام الله) اشاره به کسانی دارد که همراه موسی به ملاقات خدا رفتند و کلام خدا با حضرت موسی -علیه السلام- را مستقیم شنیدند،

سپس آن چیزی که شنیده بودند را تحریف کردند. (ر.ک: ۱۴۲۰، ۳۴۷/۲-۳۴۸).

در آیات ۴۶ نساء و ۱۳ مائده آمده است: (يَحْرَفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهَا)؛ واژه‌ی (کلم) جمع کلمه است. (ر.ک: ازهری، ۱۴۲۱، ۱۰/۱۴۸). کلمه نزد زبان‌شناسان عرب به گفتار اطلاق می‌شود نه به نوشتار. (ر.ک: ابن فارس، ۱۴۰۴، ۵/۱۳۱) برخی بر آنند که منظور از (کلم) در این آیه الفاظ قرآن است، برخی دیگر نظرشان بر این است که مراد، کلام پیامبر است. ابن‌عاشور (۱۳۹۳هـ) ذیل تفسیر این آیه می‌نویسد: «کلام نبوی را از مواضع خود خارج می‌کردند و آن را به غیرجهتش سوق می‌دادند و آن همان تغییر معانی کتاب‌های آسمانی خودشان است». (۱۹۸۴، ۱۴۳/۶). در هر صورت، چه منظور از (کلم) قرآن باشد یا سخن پیامبر، تحریف فقط متوجه معناست. (ر.ک: ابن عطیه، ۱۴۲۲، ۲/۶۲).

واژه‌ی (مواضع) در این آیات جمع موضع است و به جایگاه هر چیزی گفته می‌شود. (ر.ک: ازهری، ۱۴۲۱، ۳/۴۹). موضع کلام، مقام و جایگاهی است که کلام بایستی در آن استفاده شود. (ر.ک: ابن فارس، ۱۴۰۴، ۲/۴۲). خداوند در سوره‌ی مائده (من بعد مواضعه) و در سوره‌ی نساء (عن مواضعه) ذکر می‌کند. در آیه‌ای که (عن) به کار رفته مقصود این است که آنها قبل از اینکه کلام در مقام و جایگاهش استفاده شود، تفسیر باطلی از آن می‌کردند تا (کلم) از مرادش منحرف شود. اما (بعد مواضعه) اشاره به این دارد که آنها بعد از اینکه کلام در جایگاهش استقرار یافته و به آن عمل شده است، تحریف می‌کردند. (ر.ک: رازی، ۱۴۲۱، ۱۰/۹۵؛ ابن‌عاشور، ۱۹۸۴، ۶/۲۰۰). آنها برخی از تفسیرات باطل خود از تورات را در کتاب‌هایی جمع، سپس وانمود می‌کردند که آن کتاب‌ها از طرف خداوند است. (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ۱/۳۰۰). در این باره خداوند می‌فرماید: ﴿أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسْرُونَ وَمَا يُعْلِنُونَ. وَمَنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيَّ وَإِنْ هُمْ

إِلَّا يَظُنُّونَ. فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ ﴿﴾ (بقره، ۷۷ - ۷۹) (آیا نمی‌دانند که هر چه را پنهان می‌دارند یا آشکار می‌سازند، خدا می‌داند؟ برخی از ایشان بی‌سوادانی هستند که نمی‌دانند در آن کتاب چیست، جز سخنانی که شنیده‌اند و می‌خوانند. اینان تنها پایبند گمان خویشند. پس وای بر آنهایی که کتاب را خود به دست خود می‌نویسند تا سودی اندک برند و می‌گویند که از جانب خدا نازل شده. پس وای بر آنها به خاطر آنچه نوشتند و وای بر آنها از سودی که می‌برند). در این آیات دو گروه از اهل کتاب معرفی شده‌اند: گروه اول کسانی هستند که سواد خواندن و نوشتن ندارند و چیزی از کتاب نمی‌دانند مگر سخنان باطلی که توسط علمایشان به آنان گفته شده است. (ر.ک: واحدی، ۱۴۳۰، ۳ / ۹۰). گروه دوم علمایی هستند که به تألیف تفاسیر باطلی دست زده‌اند که سبب گمراهی مردم می‌شود. واژه‌ی (کتاب) در این آیات، مصدر فعل کتب است (ر.ک: فراهیدی، بی‌تا، ۵ / ۳۴۱) و در این جا به معنی مکتوب استفاده شده است. (ر.ک: سمین حلبی، ۱۴۱۴، ۱ / ۲۷۲). بعضی از مفسران این آیه را دلیل تغییرات واقع در تورات دانسته‌اند. طبق این نظر بایستی لفظی را در آیه تقدیر کرد؛ به‌عنوان مثال: زمخشری (۵۳۸ هـ) آن را وصفی برای کتاب ذکر می‌کند، یعنی: (یکتوبون الکتاب المحرف) و دیگران آن را حال برای کتاب تقدیر می‌کنند: (یکتوبون الکتاب محرفا) (ر.ک: ۱۴۰۷، ۱ / ۱۵۷؛ سمین حلبی، ۱۴۱۴، ۱ / ۲۷۲). رشیدرضا (۱۳۵۴ هـ) از محمد عبده (۱۳۲۳ هـ) نقل می‌کند که اگر مراد از این آیه، تحریف تورات بود با (ف) شروع نمی‌شد، بلکه مراد آیه وعید برای کسانی است که نوشته‌های خودشان را آن‌طور رنگ و رو می‌دادند که مردم فکر کنند از طرف خداوند است. (ر.ک: ۱۴۱۴، ۱ / ۲۹۹). در روایتی از وهب بن منبه آمده است که «تورات و انجیل همانند روزی هستند که خداوند آن دو را

نازل کرده و هیچ حرفی از آنها تغییر نیافته است، بلکه علمای اهل کتاب با تحریف و تأویلات باطل و همچنین با کتاب‌هایی که از خودشان می‌نوشتند و ادعا می‌کردند که از جانب خداوند است در صورتی که این‌گونه نبود، مردم را گمراه می‌کردند. بنابراین کتاب‌های خداوند از تغییر، مصون ماندند». (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ۶۸۹/۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ۴۶/۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۹۸/۲).

طبق این تفسیر چیزی در آیه تقدیر نمی‌شود. لذا الف و لام در (الکتاب) برای استغراق جنس است که شامل هر کتابی می‌شود. سیاق نیز این تفسیر را تقویت می‌کند؛ زیرا در آیه‌ی ۷۸ سخن از کسانی است که علمی نسبت به کتاب نداشتند جز آن چیزهایی که به آنها القا می‌شد. بنابراین آیه‌ی ۷۹ سخن از کسانی است که تورات را از مراد خود خارج ساخته و تفسیرات باطل خود را نگارش می‌کردند تا (امیون) اهل کتاب چیزی جز (امانی) و گمراهی عائدشان نگردد.

از دیگر آیاتی که می‌توان برای تحریف تورات به آن استناد کرد آیه‌ی ۷۸ سوره‌ی آل عمران است. قرآن در این آیه به نکوهش گروهی از اهل کتاب پرداخته که عبارات و جملات غیرکتاب را به گونه‌ای بازگو می‌کردند تا مخاطبان گمان کنند آنچه خوانده می‌شود از تورات است. در این باره در قرآن آمده است: ﴿وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُؤُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ (آل عمران، ۷۸) (و از میان ایشان گروهی هستند که به شیوه‌ی کتاب‌خدا سخن می‌گویند تا پندارید که آنچه می‌گویند از کتاب‌خداست، درحالی‌که از کتاب‌خدا نیست و می‌گویند که از جانب خدا آمده و حال آن‌که از جانب خدا نیامده است و خود می‌دانند که بر خدا دروغ می‌بندند). آنچه قائلین به تحریف را واداشته است که برای اثبات مدعای خود به این آیه روی آورند روایتی است که ابن ابی حاتم در ذیل این آیه از مجاهد نقل می‌کند

که منظور این آیه، تحریف است. (رک: ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ۵۶/۲).

در توضیح این مطلب با توجه به عبارت (یلوون ألسنتهم) از آن جایی که «لوی، یلوی» به معنی میل دادن چیزی است، (رک: ابن فارس، ۱۴۰۴، ۲۱۸/۵) آیه را می‌توان به این صورت تفسیر نمود که آنان از طریق خارج کردن حرف از صفت و مخرج اصلی خود، الفاظ و جملات تورات را به گونه‌ای می‌خواندند تا در ذهن مخاطب به کلمه‌ای دیگر با معنایی متفاوت تبدیل شود. کاربری این شیوه را به‌عنوان مثال می‌توان در واژه‌ی (راعنا) مشاهده کرد که در قرآن آمده است: (وراعنا لیا بألسنتهم) راعنا - به معنی: ما را رعایت کن - را به گونه‌ای می‌گفتند که به معنای ناسزا تبدیل می‌شد. (رک: ابن عاشور، ۱۴۲۰، ۶۳۳/۱) چه بسا الفاظ تورات را گونه‌ای تلفظ می‌کردند که واژه‌ها و عبارت‌های آن، معنای خود را از دست داده و به معنایی که مراد خودشان است تبدیل می‌شد. این روش همان تحریف است که مجاهد از آن می‌گوید؛ اما تحریف در معنای کلام، نه در لفظ و نوشتار کلمه.

#### جایگاه تورات نزد پیامبران بعد از موسی

خداوند پیامبران زیادی بعد از حضرت موسی -علیه السلام- پیرو شریعت او دانسته که به نظر می‌رسد بررسی این مورد ما را در رسیدن به حقیقت تغییر یا عدم تغییر متن تورات یاری کند. خداوند در این باره می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ﴾ (البقرة، ۸۷) (و همانا ما به موسی کتاب آسمانی دادیم و پس از او پیامبران بسیاری را یکی پس از دیگری با راه و رسم وی فرستادیم و به عیسی پسر مریم آن معجزات آشکار را عطا کردیم و او را با «روح القدس» تأیید نمودیم). طبری معتقد است که این آیه به تبعیت



پیامبران بعد موسی -علیه السلام- از منهاج و شریعت او، اشاره می‌کند. (ر.ک: ۱۴۱۲، ۱/ ۳۱۹؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ۲۱۳/۱؛ ابن قتیبه، ۱۴۱۱، ۵۵؛ سمرقندی، ۱۴۱۶، ۷۱/۱؛ طوسی، بی‌تا، ۳۴۰/۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ۱۴۱/۱). به‌دلیل اینکه از نظر زبانی معنای ریشه‌ای «قفو» اتباع است. (ر.ک: ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ۵/۱۱۲). این ریشه در باب مجرد به معنی «پیروی‌کردن» است. اما باب تفعیل آن به معنای سوق‌دادن کسی به پیروی‌کردن از شخص دیگر می‌آید. در این باره ابن‌فارس می‌گوید: «قفیت فلانا بفلان، یعنی او را به تبعیت از شخص دیگری واداشتی». (همان، ۱/ ۱۱۳). در اساس البلاغه نیز آمده است: «قفیته و قفیته به و قفیته علی أثره: زمانی گفته می‌شود که شخصی را وادار به تبعیت از دیگری کنی». (زمخشری، ۱۹۷۹، ۵۱۸/۱). اما آثار به‌جامانده بعد از موسی -علیه السلام- کتاب تورات بوده که سرمشق پیامبران بعد از او شده است. بنابراین از آن جایی که پیامبران بعد موسی -علیه السلام- از منهاج و شریعت وی پیروی می‌کردند، لزوماً تا زمانی که آنها از تورات استفاده می‌کردند ممکن نیست آن را تغییر یافته بدانیم.

بعضی مفسران همانند زمخشری، میبیدی و سیوطی با استناد به روایتی از ابن‌عباس، نام چند تن از پیامبرانی که بعد از حضرت موسی -علیه السلام- تابع شریعت او بوده‌اند را می‌آورند؛ به‌عنوان مثال: داوود، سلیمان، یحیی و زکریا از آن جمله هستند. (ر.ک: الکشاف، ۱۴۰۷، ۱/ ۱۶۱؛ کشف الأسرار، ۱۳۷۱، ۲۶۲/۱؛ الدر المنثور، ۱۴۰۴، ۱/ ۸۶)

با استناد به قرآن حضرت یحیی -علیه السلام- براساس تورات حکم می‌کرد و ملزم به فراگیری آن بود، این الزام به ما نشان می‌دهد که تورات در زمان حضرت یحیی -علیه السلام- به‌دور از تغییر بوده است. خداوند در قرآن بیان می‌کند که یحیی را ملزم به فراگیری تورات نموده است: ﴿يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا﴾ (مریم، ۱۲) (ای یحیی، کتاب را به نیرومندی بگیر و در کودکی به او دانایی عطا کردیم) به‌نقل قرطبی (۶۷۱ هـ) هیچ‌خلافی وجود ندارد که در این آیه مراد از (الکتاب)، تورات است. (ر.ک: ۱۳۶۴، ۱/ ۸۶). همچنین فخرالدین

رازی (۶۰۶هـ) برای این دیدگاه مؤیدی می‌آورد؛ او معتقد است هر وقت واژه‌ی (الکتاب) در سیاق داستان بنی‌اسرائیل می‌آید مراد همان تورات است. (ر.ک: ۵۱۶/۲۱). چنان‌چه در این آیه مراد از کتاب را همان توراتی بدانیم که حضرت یحیی -علیه السلام- ملزم به فراگیری آن بوده، این احتمال افزایش می‌یابد که تورات در زمان حضرت یحیی -علیه السلام- بدون تغییر بوده است. شاید این اشکال در ذهن خواننده به وجود بیاید که در دین اسلام نیز مسلمانان به موجب احادیث عمل می‌کنند، اما هیچ اختلافی وجود ندارد که اکثراً در هنگام نقل، تغییراتی در الفاظ آنها بوجود آمده است. یعنی به نوعی تحریف لفظی شده‌اند؛ در صورتی که به آنها عمل می‌شود. در جواب گفته می‌شود که برای اطمینان از صحت متن حدیث بعد از اطمینان از صحت سند به طرق متفاوت آن مراجعه می‌شود؛ (ر.ک: جبر مزر، ۱۴۱۵، ۴۱، ۲۳۶) زیرا احتمال دارد تفاوت‌هایی بین الفاظ حدیثی که با سندهای متفاوت نقل می‌شود، وجود داشته باشد. این بررسی، به نوعی تغییرات ایجادشده در الفاظ را جبران می‌کند. (ر.ک: عبدالمهدی عبدالقادر، ۱۴۳۳، ۱۶) همچنین احادیث، تفصیلی برای آیات قرآن به شمار می‌روند و مفصّلات هنگامی که در کنار متن اصلی قرار بگیرند بهتر فهم می‌شوند و این مسأله با کتابی که در تشریح، مستقل است و وابسته به متن دیگری نیست فرق می‌کند.

اما در مورد حضرت عیسی -علیه السلام- اکثر مفسرین معتقدند که او ملزم به اجرای احکام تورات نبود؛ زیرا خداوند کتاب دیگری به او عطا کرده تا براساس آن عمل کند. (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ۱/۳۱۹). این نظریه در صورت صحیح بودن، نمی‌تواند سالم‌ماندن تورات از تغییر را زیر سؤال ببرد؛ زیرا قرآن بیان می‌کند که حضرت عیسی -علیه السلام- تورات را آموزش دیده است. خداوند عیسی را به نعمت‌هایی که به او داده متذکر می‌کند که یکی از آنها تعلیم تورات است: ﴿وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ﴾ (مائدة، ۱۱۰) (و به تو کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموختم) چنان‌چه تورات تغییر یافته بود نه تنها خداوند آموزش

آن را بر حضرت عیسی منت نمی گذاشت، بلکه از یاددادن آن به او امتناع می کرد.

پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم- نیز از اجرای احکام تورات برای یهودیان مستثنی نبوده است. خداوند در وصف تورات می فرماید: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّائِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَآخِشُوهُمْ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾ (مائده، ۴۴) (ما تورات را که در آن هدایت و روشنایی است، نازل کردیم. پیامبرانی که تسلیم فرمان بودند بنابر آن برای یهود حکم کردند و نیز خداشناسان و دانشمندان که به حفظ کتاب خدا مأمور بودند و بر آن گواهی دادند، پس از مردم نترسید، از من بترسید و آیات مرا به بهای اندک مفروشید و هر که براساس آیاتی که خدا نازل کرده است حکم نکند، کافر است). (الذین أسلموا) در آیه صفت (النبیون) است که برای مدح و ثنای آنها آمده است و این صفت نشان می دهد پیامبران بعد از حضرت موسی -علیه السلام- تابع دستورات تورات بوده اند. (ر.ک: رازی، ۱۴۲۱، ۱۲/ ۳). در مفهوم (النبیون) نیز قولی به عکرمه (۱۰۰هـ)، حسن بصری (۱۱۰هـ) و زهری (۱۲۴هـ) منسوب است که مقصود از آن پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم- می باشد؛ چون دستور رجم دو یهودی زناکار را صادر کرده و این حکم در تورات است. (ر.ک: طبری، ۱۴۲۰، ۱/ ۳۳۹، واحدی، بی تا، ۳۸۸/۷). کاربرد صیغهی جمع نیز در لفظ (النبیون) برای بزرگداشت پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم- است. (ر.ک: همان جا). واضح است که قرآن به کتابی که دست خوش تغییرات بوده، اعتبار نمی بخشد و پیامبر -صلی الله علیه وسلم- را به حکم کردن به مقتضای آن توصیف نمی کند.

#### دلایل تحریف نشدن تورات

قرآن کریم در آیات متعددی به تورات اعتبار می بخشد؛ دعوت از اهل کتاب به برپایی آن،

معیاری برای تشخیص حقانیت قرآن و منبعی که واقعیت را از دروغ متمایز می‌کند، از جمله ویژگی‌هایی است که قرآن برای تورات در نظر می‌گیرد.

قرآن اهل کتاب را به اجرا گذاشتن فرامین تورات و انجیل فرا می‌خواند. خداوند در سوره‌ی مائده می‌فرماید: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ (مائده، ۶۸) (بگو: ای اهل کتاب شما هیچ نیستید تا آن‌گاه که تورات و انجیل و آنچه را از جانب پروردگارتان بر شما نازل شده است برپای دارید. و آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است بر طغیان و کفر بیشترینشان می‌افزاید. پس بر این مردم کافر غمگین مباش). مضمون این آیه تکلیف به اهل کتاب است تا تورات و انجیل را به اجرا بگذارند. (رک: رازی، ۱۴۲۱، ۴۳/۱۲). خطاب (یا اهل کتاب) متوجه یهود و نصاری‌ی زمان پیامبر -صلی الله علیه و سلم- است، بنابراین تورات و انجیل یادشده در آیه، همان تورات و انجیل عهد نبوت است. واژه‌ی (التوراة) در جمله‌ی (لستم علی شیء حتی تقیموا التوراة و الإنجیل) مطلق آمده و شامل تمام مضامین آن می‌شود (رک: سعدی، ۱۴۰۸، ۲۵۹). به عبارت دیگر مخاطبین این آیه می‌بایست کل محتوای تورات را به اجرا بگذارند. ولی اگر الفاظ تورات تغییر یافته باشد، تکلیف به اجرای همه‌ی آن امری غیرممکن است. با توجه به این مطلب، محتوای تورات، در عصر پیامبر -صلی الله علیه و سلم- از تحریف مصون مانده بود؛ زیرا اگر تورات تحریف شده بود، قرآن یهودیان را مکلف به اجرای آن نمی‌کرد؛ زیرا چنین تکلیفی، نوعی گمراهی است.

قرآن در سوره‌ی مائده از تورات به‌عنوان منبعی برای قضاوت بین یهود در زمان پیامبر اسلام -صلی الله علیه و سلم- یاد کرده است و با تعجب از عملکرد یهود بیان می‌کند که چگونه نزد پیامبر اسلام -صلی الله علیه و سلم- برای قضاوت رفته‌اند حال آن‌که توراتی در اختیار دارند که حکم خداوند در آن است: ﴿وَكَيْفَ يُحْكُمْونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّونَ

مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ﴿۴۳﴾ (مائده، ۴۳) (چگونه تو را داور قرار می دهند، درحالی که تورات که حاوی حکم خداست در نزد آنهاست؟ سپس از حکم تو روی گردان می شوند و اینان ایمان نیاورده اند). از آن جا که تورات در بردارنده ی حکم خدا است لذا خدا از یهود می خواهد که برای داوری، به خود تورات مراجعه کنند. در سبب نزول این آیه دو قول روایت شده است (ر.ک: ابن کثیر، ۱۴۲۰، ۳ / ۱۱۳). در قولی گروهی از یهود فردی را کشتند و گفتند که نزد محمد بروید، اگر به دیه حکم کرد حکم او را بپذیرید و اگر به قصاص حکم کرد از حکم او سرپیچی کنید. در قولی دیگر، این آیه در مورد زنای دو یهودی نازل شده است که به خاطر آن دو حکم تورات را از رجم زنای محصن به صد ضربه شلاق، داغ نمودن و سوار بر الاغ کردن، تغییر داده اند. وقتی این واقعه بعد از هجرت پیامبر -صلی الله علیه و سلم- رخ می دهد، یهود نزد پیامبر آمده و خواستار قضاوت ایشان شدند. آنها به یکدیگر گفتند: اگر به شلاق و داغ کردن حکم کرد، آن را به عنوان حجتی بین خود و خدا می پذیریم چون پیامبری از پیامبران خدا به چنین حکمی قضاوت نموده است. اما در صورتی که به سنگ سار حکم نمود حکم آن را نمی پذیریم. (ر.ک: همان جا). حال چه هر دو قول یا تنها یکی از آن دو را بپذیریم، آیه مختص به مسأله ای خاص نمی شود؛ زیرا اعتبار به عموم لفظ است نه خصوص سبب. بنابراین خداوند از یهودیان می خواهد که مسائل را به حکم خدا که در تورات آمده بازگردانند و این را می توان به عنوان دلیلی برای عدم وقوع تغییر در تورات در نظر گرفت.

قرآن به تورات دوره ی بعثت پیامبر اسلام -صلی الله علیه و سلم- اعتبار بخشیده و آن را معیاری برای تشخیص حقانیت قرآن در نظر گرفته است. خداوند می فرماید: ﴿فَإِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَاسْأَلِ الَّذِينَ يَقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ﴾ (یونس، ۹۴) (اگر در آن چه بر تو نازل کرده ایم در تردید هستی، از آنهایی که کتاب آسمانی پیش از تو را می خوانند بپرس. هر آینه حق است آن چه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است).

پس نباید در شمار تردیدکنندگان باشی). اسم موصول (ما) در جمله‌ی (مما أنزلنا إليك) از الفاظ عموم است که دلالت شمول دارد. مطابق این آیه؛ اگر پیامبر اسلام -صلی الله علیه و سلم- در هر بخشی از پیام‌های قرآن (حداقل تا زمان نزول این آیه) دچار شک احتمالی شود، اجازه دارد از عالمان تورات سؤال کند. با توجه به این مطلب، نمی‌توان کتابی که خداوند آن را معیاری برای تشخیص حقانیت قرآن در زمان بعثت پیامبر اسلام، معرفی کرده است تغییر یافته پنداشت؛ زیرا ارجاع به چنین کتابی، رفع شک نخواهد بود بلکه ممکن است شک را تقویت کند.

قرآن، تورات را به‌عنوان منبعی که دروغ را از واقعیت آشکار می‌کند، معرفی کرده است. خداوند برای اثبات دروغ یهودیان، تورات را معیار دانسته و می‌فرماید: ﴿كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حَلَالًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَىٰ نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنزَلَ التَّوْرَةُ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (آل عمران، ۹۳) (همه‌ی خوراکی‌ها بر بنی اسرائیل حلال بود مگر آن چه که پیش از نزول تورات، اسرائیل بر خود حرام کرده بود. بگو: اگر راست می‌گویید تورات را بیاورید و بخوانید). در این آیه خداوند از یهود می‌خواهد برای اثبات ادعای خود تورات را بیاورند و تلاوت کنند. (ر.ک: طبری، ۱۴۲۰، ۸/۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ۱/ ۳۸۵-۳۸۶). قرآن به‌نوعی تورات را به‌عنوان داور میان خود و یهودیان در مورد حلال یا حرام بودن غذاها معرفی می‌کند. حال آیا توراتی که دست‌خوش تغییرات بوده، صلاحیت جایگاه داوری را دارد؟

### نتیجه‌گیری

قرآن سخنی از تغییرات لفظی متن تورات به‌میان نیاورده است. بلکه تورات را در زمان پیامبر اسلام منبع معتبری قلمداد می‌کند.

تحریف کلام از دو بخش تحریف و کلام تشکیل شده است؛ تحریف در زبان عربی متوجه

معناست و کلام نیز به گفتار اطلاق می‌شود نه به نوشتار، پس تحریف کلام یعنی تحریف معنایی گفتار نه تغییر در صورت نوشتار.

پیامبر اسلام -صلی الله علیه و سلم- با توجه به تورات برای یهود حکم می‌کرد.

یحیی -علیه السلام- مکلف به عمل کردن به تورات بوده است.

تورات برای یهود زمان پیامبر حجیت داشته است.

#### منابع

قرآن کریم.

ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، *تفسیر القرآن العظیم*، چاپ سوم، مکتبه نزار مصطفی الباز، عربستان، ریاض، ۱۴۱۹ هـ

آلوسی، محمود بن عبدالله، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، چاپ اول، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، لبنان - بیروت، ۱۴۱۵ هـ

آیتی، عبدالمحمد، *ترجمه‌ی قرآن*، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، چاپ چهارم، انتشارات سروش، ایران - تهران، ۱۳۷۴ ش.

ازهری، محمد بن احمد، *تهذیب اللغة*، چاپ اول، دارإحياء التراث العربی، لبنان - بیروت، ۱۴۲۱ هـ

بخاری، محمد بن إسماعیل، *صحیح البخاری*، تحقیق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، چاپ اول، دارطوق النجاة، بی‌جا، ۱۴۲۲ ق.

جبر مزهر، عبدالغنی بن احمد، «*أصول التصحیح و التضعیف*»، *مجلة البحوث الإسلامية*، شماره: ۴۱، رئاسة إدارة البحوث العلمیة و الإفتاء / الأمانة العامة لهیئة كبار العلماء، ریاض، ۱۴۱۴ و ۱۴۱۵ هـ

ابن جنی، عثمان بن جنی، *سر صناعة الإعراب*، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، لبنان - بیروت، بی‌تا.

سمین حلبی، احمد بن یوسف، *الدر المصون فی علوم الكتاب المکنون*، چاپ اول، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، لبنان - بیروت، ۱۴۱۴ هـ

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، چاپ اول، دارالقلم، بیروت، ۱۴۱۲ هـ
- رشیدرضا، محمد، *تفسیر المنار*، چاپ اول، دارالمعرفة، لبنان- بیروت، ۱۴۱۴ هـ
- زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، چاپ سوم، دارالکتاب العربی، لبنان- بیروت، ۱۴۰۷ هـ
- زمخشری، محمود بن عمر، *أساس البلاغة*، چاپ اول، دارصادر، لبنان- بیروت، ۱۹۷۹ م.
- سعدی، عبدالرحمن بن ناصر، *تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان*، چاپ دوم، مکتبه النهضة العربیة، لبنان- بیروت، ۱۴۰۸ هـ
- سمرقندی، نصر بن محمد، *بحر العلوم*، چاپ اول، دارالفکر، لبنان- بیروت، ۱۴۱۶ هـ
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، چاپ اول، کتابخانه‌ی عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ایران- قم، ۱۴۰۴ هـ
- صفوی، محمدرضا، *ترجمه‌ی قرآن بر اساس المیزان*، چاپ اول، دفتر نشر معارف، ایران- قم، ۱۳۸۸ ش.
- طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ اول، دارالمعرفة، لبنان- بیروت، ۱۴۱۲ هـ
- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، چاپ اول، دارإحياء التراث العربی، لبنان- بیروت، بی تا.
- ابن عاشور، محمد الطاهر، *التحریر و التنویر*، چاپ اول، مؤسسة التاریخ العربی، لبنان- بیروت، ۱۴۲۰ هـ
- عبدالمهدی، عبدالقادر عبدالهادی، *طرق تخریج حدیث رسول الله صلی الله علیه و سلم*، بی جا، مکتبه الإیمان للطباعة و النشر و التوزیع، بی جا، ۱۴۳۳ هـ
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، چاپ اول، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، لبنان- بیروت، ۱۴۲۲ هـ
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *تفسیر القرآن العظیم*، چاپ اول، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، لبنان- بیروت، ۱۴۱۹ هـ
- ابن فارس، احمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، چاپ اول، بی نا، ایران- قم، ۱۴۰۴ هـ
- فخررازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، چاپ سوم، دارإحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ هـ



## تحریف تورات در پرتو آیات قرآن ♦ ۱۲۵

فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ دوم، بی‌نا، ایران - قم، ۱۴۰۹ هـ.  
ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، تفسیر غریب القرآن، چاپ اول، دار و مكتبة الهلال، لبنان - بیروت، ۱۴۱۱ هـ.  
قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، چاپ اول، ناصر خسرو، ایران، تهران، ۱۳۶۴ هـ.ش.  
میبدی، احمد بن محمد، كشف الاسرار و عدة الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، چاپ پنجم، امیر کبیر، ایران، تهران، ۱۳۷۱ هـ.ش.  
واحدی، ابوالحسن علی بن احمد نيسابوری، التفسیر البسيط، بی‌جا، عمادة البحث العلمي، عربستان، ریاض، ۱۴۳۰ هـ.ق.